«بوریس جانسون» روس است!

سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه در مصاحبه‌ای با شبکه ملی NTV گفت: بوریس جانسون، وزیر امور خارجه انگلیس قسم می‌خورد که مادربزرگ یا مادر مادربزرگش روس است و پنج درصد خون روس در رگ‌هایش جریان دارد. لاوروف افزود: پیش از دیدار از مسکو، توصیه‌های زیادی نیز به جانسون شده بود، یکی از این توصیه‌ها این بود که در هتل را به روی زنان جوان ناشناس باز نکن!

آلمان

مرکل و چالش‌های بر سر راه تشکیل دولت «ائتلاف بزرگ»

پایان عصر اقتدار بانوی آهنین

فادرانی- اوضاع سیاسی در آلمان به هیچ وجه بر وفق مراد آنگلا مرکل، صدراعظم و قدرتمندترین زن این کشور که سال‌هاست در قدرت حضور دارد، نیست. گفت‌وگوهای احزاب دموکرات مسیحی و سوسیال مسیحی با احزاب سبز و لیبرال با شکست روبه‌رو شده و حالا مرکل باید از روز هفتم ژانویه با سوسیال دموکرات‌ها که می‌خواستند به اپوزیسیون بروند، بر سر تشکیل ائتلاف بزرگ به گفت‌وگو بنشیند. هم‌اکنون صدراعظم آلمان بر روی ائتلاف با حزب سوسیال دموکرات متمرکز شده است. او به خوبی می‌داند که موفقیت نداشتن در شکل‌دهی دولت ائتلافی با سوسیال دموکرات‌ها، وضعیت سخت‌تری را برای وی و حزب دموکرات مسیحی رقم خواهد زد. در مقابل، حزب سوسیال دموکرات به صراحت گفته است که در این باره امتیازاتی را از صدراعظم آلمان طلب خواهد کرد. امتیازاتی که اعطای آن‌ها از سوی مرکل، آسان به نظر نمی‌رسد. به عنوان مثال، حزب سوسیال دموکرات آلمان اعلام کرده است که بر سر سیاست‌های حزب دموکرات مسیحی درباره پناه‌جویان، مناسبات اقتصادی با اروپا، مناسبات امنیتی با آمریکا (مناسبات درون ناتو) و... اختلاف نظر دارد. از این رو مرکل باید خود را برای دادن امتیاز به حزب سوسیال دموکرات‌ها آماده کند. نکته بسیار مهم این که تحقق هریک از سه گزینه موجود، یعنی شکل‌گیری دولت ائتلافی با سوسیال دموکرات‌ها، دولت حداقلی با حزب سبز و برگزاری انتخابات دوباره به معنای کاهش قدرت مانور صدر اعظم آلمان در این کشور خواهد بود. بدون شک مرکل دیگر قدرت گذشته را در کشورش و متعاقبا در اتحادیه اروپا و منطقه یورو نخواهد داشت. این در شرایطی است که آلمان برای مدیریت بحران‌های داخلی و اقتصادی اروپا نیاز به حضور صدر اعظمی مقتدر دارد. به صراحت می‌توان گفت که دوران اقتدار مرکل در آلمان به پایان رسیده است. او در بهترین حالت ممکن و در صورت شکل‌گیری دولت ائتلافی با سوسیال دموکرات‌ها نیز برای جلوگیری از فروپاشی دولت آلمان، ناچار است از بسیاری از مواضع خود در قبال موضوعات مهم و کلان جاری در اروپا عقب‌نشینی کند.

پشت پرده فتنه جدید ولیعهد سعودی با طرح‌های مرده آمریکایی

خواب و خیال بن سلمان برای لبنان

دکتر علیرضا ضارضاخواه- «سیمور هرش»، روزنامه‌نگار شهیر آمریکایی، حدود یک دهه پیش در مقاله‌ای نسبتاً طولانی در نشریه «نیویورکر» از همکاری «جورج بوش» رئیس جمهور وقت آمریکا و برخی کشورهای منطقه برای تضعیف ایران، سوریه و حزب‌ا... لبنان خبر داده بود. وی تصریح کرده بود: برای تضعیف محور مقاومت در خاورمیانه، دولت جورج بوش تصمیم به تغییر اولویت‌هایش در این منطقه گرفته و با همکاری برخی دولت‌های عربی و از طریق ایجاد سازمان‌های زیرزمینی در لبنان، پروژه مقابله با حزب‌ا... لبنان در بیروت را کلید زده است. نتیجه این همکاری به وجود آمدن گروه‌های تکفیری افراطی شد که داعش تنها یک نمونه آن بود. او در مقاله‌اش به صراحت گفته بود که با هدف تضعیف دولت بشار اسد و فشار به حکومت سوریه برای مذاکره و کنار آمدن با رژیم صهیونیستی، جریان موسوم به محور سازش با چراغ سبز جورج بوش به حمایت‌های مالی و لجستیکی گسترده‌ای از گروه‌های افراطی تکفیری پرداخته است. حالا در ظاهر دوباره همین طرح با وجود شکست‌های متعدد بار دیگر از سوی بن سلمان و ولیعهد ماجراجوی سعودی دنبال می‌شود. روزنامه نیویورک تایمز به تازگی در این باره نوشته است، عربستان به دنبال آن است تا در قالب یک طرح بلندمدت، از میان اردوگاه‌های فلسطینی یک گروه شبه نظامی تشکیل و آن‌ها را در مقابل حزب‌ا... قرار دهد. طی سفر اخیر محمود عباس به عربستان، ولیعهد سعودی از وی خواسته بود برای ملحق کردن فلسطینی‌های لبنان به جبهه حامی عربستان و دور کردن آن‌ها از جبهه حامی ایران تلاش کند و اگر وی نتواند این کار را انجام دهد، او «محمد دحلان» (از رهبران مخالف فتح) را بهترین گزینه برای این کار می‌داند. عربستان در زمانی این برنامه را دنبال می‌کند که برای تشدید فشار به ایران و حزب‌ا...، از ترامپ نیز چراغ سبز گرفته است. به گزارش الوقت در طول حدود هفت سال گذشته، عربستان شکست‌های پی در پی و سنگینی را در منطقه متحمل شده است. از جمله شکست در پرونده سوریه و به حاشیه رانده شدن ریاض در تحولات مربوط به این کشور؛ شکست در یمن و فرورفتن در باتلاق این کشور همسایه؛ شکست اولیه در پرونده عراق در برهم زدن روند سیاسی شکل گرفته در بغداد پس از اسقاط صدام که به نفع اکثریت شیعه در جریان بوده و هست؛ نیز شکست بعدی در اسقاط نظام فعلی حاکم بر بغداد از طریق طرح ایجاد و حمایت از داعش؛ فرومواندن در بحران بحرین؛ شکست در ایجاد ائتلاف وسیع عربی و منطقه‌ای علیه ایران و محور مقاومت، با کلید زدن این برنامه همزمان با اولین سفر ترامپ به منطقه و ریاض؛ شکست در پرونده قطر که در آن تصمیم داشت مقامات دوحه را تسلیم کند و در سیطره خویش قرار دهد و شکست در پرونده استعفای تحمیلی سعد حریری. هم‌اکنون و در چنین شرایطی که عربستان خود را سخت در تنگنا و فشار می‌بیند و نیز با توجه به این که علت اصلی ناکامی‌های خود را محور مقاومت معرفی می‌کند، درصدد برآمده است تا ماجرای دیگری در لبنان بیافریند و از این طریق ایران و حزب‌ا... و در مجموع مقاومت را وارد بحران کند.

■ **وضعیت اردوگاه‌های فلسطینی در لبنان**

در لبنان، ۱۲ اردوگاه ویژه آوارگان فلسطینی وجود دارد. نزدیک به ۲۱۰ هزار نفر از این آوارگان در این اردوگاه‌ها اسکان یافته‌اند و ۲۷۳ هزار نفر دیگر نیز در خارج از اردوگاه زندگی می‌کنند. تمامی آوارگان مستقر در اردوگاه‌های داخل این کشور با مشکلاتی از جمله فقر، پایین بودن بهداشت و بیکاری مواجه هستند. امنیت این اردوگاه‌ها توسط نیروهای فلسطینی تامین می‌شود. بیش از ۱۸۰۰ خانواده فلسطینی ساکن در سوریه به ویژه از اردوگاه یرموک، منطقه زینبیه و حجر الاسود راهی لبنان شدند. طبق آمارهای غیر رسمی تا تاریخ سپتامبر ۲۰۱۲ میلادی هفت هزار فلسطینی از سوریه به لبنان مهاجرت کرده و در اردوگاه‌های نهر البارد و البداوی در طرابلس، الجلیل در بقاع، بیروت، صیدا و صور استقرار یافتند. آوارگان فلسطینی تقریبا ۱۰ درصد جمعیت لبنان را تشکیل می‌دهند. یعنی نزدیک به ۵۰۰ هزار نفر. آل سعود به ویژه از دهه‌های پایانی قرن ۲۰ به این سو هزینه زیادی در تبلیغ تفکر وهابیت در جهان اسلام کردند. برخی از جنبش‌ها و یا برخی افراد به این تفکر گرایش یافتند و یا رگه‌هایی از این جریان فکری در آن‌ها به وجود آمد. به طور طبیعی عناصری از فلسطینی‌ها نیز متأثر از این جریان شدند و حتی در مقابل حماس و جریان مقاومت قرار گرفتند که البته چندان قابل توجه نبودند. عربستان شاید به همین عناصر محدود و معدود دل خوش کرده باشد و یا حتی بتواند از میان آن‌ها در لبنان برخی را متقاعد و جذب همکاری کند اما نمی‌توانند تأثیر گذار باشند. مقامات عربستان همچنین ممکن است روی جمعیت اهل سنت به عنوان پایگاه اجتماعی گروه شبه نظامی مد نظر، حساب باز کنند. در این باره نیز کسی نمی‌تواند بگوید که این مسئله هیچ تأثیری روی برنامه عربستان نخواهد داشت. آل سعود همچنین در میان جریان سیاسی ۱۴ مارس نفوذ دارند، از توان مالی برخوردارند و مورد حمایت متحدان منطقه‌ای خود (مثل امارات، ...) و غرب به ویژه ایالات متحده آمریکا هستند. تمامی این شرایط، ممکن است ظرفیت‌هایی را برای آل سعود در تحقق اهداف و برنامه خود در تشکیل یک گروه شبه نظامی در مقابل حزب ا... ایجاد کنند، اما آیا این بدین معناست که عربستان در این برنامه، موفق خواهد شد؟

■ **چالش‌ها و موانع پیش روی عربستان**

عربستان در نظر دارد چیزی مانند حزب ا... را ایجاد و آن را در مقابل این جنبش قرار دهد، اما در این باره با چالش‌ها و محدودیت‌هایی مواجه است. عربستان ضرورت تشکیل چنین گروهی را چگونه می‌خواهد توجیه کند. حزب ا... اساساً در مقابل تجاوزات اسرائیل شکل گرفت و ضرورت وجودی خود را در مقابله با این رژیم می‌داند. علاوه بر این که برای دفاع از حقوق فلسطینیان و آرمان فلسطین اعلام آمادگی می‌کند. آیا عربستان هم این گروه را به همین منظور تشکیل می‌دهد؟ قطعاً پاسخ منفی است. حزب ا... با همین توجیه و اثبات عملی آن، توانسته است در لبنان، جایگاه، اعتبار و قدرت بیابد، گروه مد نظر عربستان چگونه می‌تواند به این قدرت و اعتبار دست بیابد؟ جنوب لبنان، هم پایگاه اجتماعی حزب ا... و هم در درجه اول منطقه مورد علاقه آن برای دفاع است. چرا که اسرائیل به دلیل جغرافیا و بافت شیعی ساکنان این منطقه و نیز استقرار حزب ا... در آن، از این منطقه، لبنان را مورد حمله قرار می‌دهد. به همین دلیل، حزب ا... در این منطقه مستقر است. اما کدام منطقه بدین شکل وجود گروه شبه نظامی مد نظر عربستان را ضروری خواهد ساخت؟ چنین منطقه‌ای وجود ندارد. اگر عربستان با تشکیل این گروه، به دنبال ایجاد چالش و فشار به حزب ا... است، به طور طبیعی حزب ا... در مقابل آن به سختی واکنش نشان خواهد داد و در این زمینه حمایت دولت و جامعه لبنان را پشت سر خود خواهد داشت. دولت و جامعه لبنان به اهمیت وجودی حزب ا... در برابر تجاوزات اسرائیل و کمک آن به آرامش و امنیت در لبنان واقف هستند و به همین دلیل آن را حمایت می‌کنند. علاوه بر این که لبنان به مقاصد عربستان در این زمینه توجه دارد و پیش از این در برابر اقدامات مخرب این کشور مقابله کرده است. به عنوان مثال سال گذشته در شهر صیدا یک دیوار با ارتفاع چهار متری در اردوگاه عین الحلوه ساخت تا بهتر بتواند ورود و خروج افراد مشکوک را کنترل کند. کشورهای اروپایی به ویژه فرانسه که مراودات خوبی با لبنان دارند، موافق شکل‌گیری گروه‌های افراطی و تندروی سلفی و در نتیجه، بی‌ثباتی در لبنان نیستند و با این امر مخالفت خواهند کرد. کشورهای منطقه مانند مصر، اردن و سوریه نیز موافق شکل‌گیری یک گروه افراطی فلسطینی در منطقه و یا لبنان نخواهند بود. ایران نیز که حامی اصلی محور مقاومت است، اجازه نخواهد داد تا عربستان به راحتی بتواند حزب ا... -یعنی این عنصر و محور مهم مقاومت- را تضعیف کند. عربستان نمی‌تواند بین آوارگان فلسطینی در کم و کیف چنان جذب نیرو کند که بتواند یک تشکل قابل توجه به وجود آورد. به ویژه تشکلی که لازم است پایگاه اجتماعی و تداوم داشته باشد. ایدئولوژی و انگیزه چنین امری در بین فلسطینیان در اردوگاه ناچیز و بسیار اندک خواهد بود. بنابراین در نهایت عربستان به دلیل فقدان بسترها و شرایط لازم، وجود موانع متعدد و جدی، در این طرح نیز شکست خواهد خورد.

با صاحب نظران

خاویر سولانا:

ترامپ با قدس کاسبی می‌کند

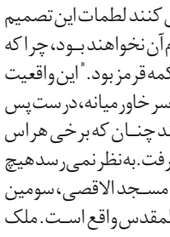

سیاست خاورمیانه دولت ترامپ متکی به اتحاد تقویت شده میان ایالات متحده و عربستان سعودی است. از زمان جان اف کندی تمام روسای جمهور ایالات متحده در نخستین سفر خود یا به مکزیک رفته اند یا کانادا یا هم اروپا، اما ترامپ در اولین سفر خود به ریاض رفت پس از سفر به عربستان سعودی، ترامپ راهی اسرائیل شد. آشتی جویی اسرائیل و سعودی با کمک ولیعهد جدید عربستان میسر شده است، محمد بن سلمان، برنامه مدرن سازی، هم در سیاست داخلی و هم سیاست خارجی در پیش گرفته است. شایعاتی وجود دارد مبنی بر این که محمد بن سلمان طرح صلحی میان اسرائیل و فلسطین پیشنهاد داده که به شدت دلخواه اسرائیل است، هر چند ایالات متحده و سعودی این گزارش را انکار کرده اند. به هر ترتیب ترامپ به وضوح می‌خواهد از این شرایط کاسبی کند تا کودتایی دیپلماتیک انجام دهد. اما با همه این‌ها تصمیم او درباره بیت المقدس، سعودی را با یک وضعیت بغرنج روبه رو کرده است: اولویت بالاتری برای آرمان فلسطین در نظر بگیرد یا این که روابط با اسرائیل را به عنوان ابزاری برای مهار ایران عادی سازد. برخی از سعودی‌ها به گزینه دوم امید بسته اند، پیشنهاد می‌کنند سوالات دردناک درباره وضعیت بیت المقدس و فلسطین به طور عام، کنار گذاشته شود. ترامپ نیز کوشیده متممی به بیانیه خود اضافه کند و مدعی است او به نفع قلمروژئوپلیتیک اسرائیل در بیت المقدس موضع گیری نکرده است و این که سفارت ایالات متحده فی الفور به تل آویو منتقل نخواهد شد. اما همچنان که فرستاده ویژه و سابق ایالات متحده در مذاکرات اسرائیل و فلسطین، مارتین ایندیک، اشاره کرده است "آمریکایی‌ها می‌توانند هر طور که می‌خواهند تلاش کنند لطمات این تصمیم را محدود کنند، اما قادر به انجام آن نخواهند بود، چرا که مسئله بیت المقدس فشار دادن دکمه قرمز بود." این واقعیت در تظاهرات خیابانی عظیم در سراسر خاورمیانه، درست پس از بیانیه ترامپ بازتاب یافت، هر چند چنان که برخی هراس داشتند خشونت وسیعی صورت نگرفت. به نظر نمی‌رسد هیچ مسلمانی آماده باشد از یاد ببرد که مسجد الاقصی، سومین مکان مقدس در اسلام، در بیت المقدس واقع است. ملک سلمان، پادشاه عربستان وقتی راجع به زیان بار بودن اقدام ترامپ هشدار می‌داد اشاره‌اش به مسجد الاقصی بود. حقیقت مبرهن این است که عربستان سعودی نمی‌تواند خودش را از آرمان فلسطین دور بداند و به کشورهایی مثل ایران و ترکیه اجازه دهد طلایه‌دار این آرمان باشند. این اقدام شبیه به اشتباه تاکتیکی خواهد بود که سعودی چند ماه پیش انجام داد و روابط خود با قطر را قطع کرد.